

چارچوب‌بندی رسانه‌ای در نزاع دینی - سکولار ترکیه و اسرائیل*

نویسندگان: مت ایوانس و م. سلکان کابناک**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۷

مترجم: افروز رفیعی***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۵

۱۱۳

چکیده

عملکرد رسانه به‌عنوان ناظر اجتماعی و نهادی بی‌طرف برای نگرش‌های متفاوت جامعه، مدلی حیاتی در دموکراسی‌های مدرن است. با این وجود، در جوامع دارای شکاف‌های عمیق اجتماعی، این عملکردها می‌توانند در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و نقش رسانه را دگرگون کنند. این پژوهش با تکیه بر مطالعه رسانه‌ها در نزاع دینی - سکولار ترکیه و اسرائیل و در راستای پیشبرد بحث نظری پیرامون نقش رسانه‌ها انجام گرفته است. در سال‌های اخیر، دستاوردهای انتخاباتی احزاب مذهبی، تصاحب نهادهای تصمیم‌گیرنده کشورها توسط گروه‌های سکولار را به چالش کشیده است. با بالا رفتن تنش‌های سیاسی دینی - سکولار، رسانه‌های هر دو طرف در پررنگ کردن خطرات دریافتی از طرف مقابل، نقشی کانونی ایفا کرده‌اند. زمانی که رسانه‌ها به‌عنوان پیشتاز طرف‌های مقابل عمل می‌کنند، این تأثیر دو برابر می‌شود: از دست دادن شاهد عمومی مهم و عمیق کردن شکاف‌های اجتماعی.

واژگان کلیدی: ارتباطات سیاسی، رسانه، ترکیه، اسرائیل مذهب، سکولاریسم، احزاب سیاسی

* Source : International Political Science Review, April 2014, pp.1-140.

** مت ایوانس، استادیار دانشگاه ایالتی پنسوانیا و سلکان کابناک استادیار بغاز بیچی ترکیه.

*** دانشجوی زبان‌شناسی در دانشگاه نایمیکن هلند

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیلی‌شناسی، سال هفدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۳۲ - ۱۱۳.

◆ آمریکاشناسی . اسرائیلی‌شناسی

انتظار می‌رود رسانه‌ها فرصتی برای بخش‌های مختلف جامعه فراهم آورده و به‌عنوان شاهدهی غیرحزبی و بی‌طرف عمل کنند. با این وجود، این دو عملکرد حیاتی گاه در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. وفق دادن این دو به‌خصوص در جوامعی که شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی - سیاسی عمیق از ویژگی آنها به‌شمار می‌آید، با مشکلاتی همراه است. یکی از این درگیری‌ها که در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها رخ داده، جنگ بر سر قدرت سیاسی میان نیروهای سکولار و مذهبی است. بخش قابل ملاحظه‌ای از تقابل مذهبی - سکولار با بازنمایی دسته‌بندی‌های متفاوت در رسانه‌ها شکل گرفته است. مقاله پیش‌رو، با مطالعه عملکرد رسانه‌ها در نزاع مذهبی - سکولار ترکیه و اسرائیل تلاش در پیشبرد بحث نظری نقش رسانه‌ها دارد. این دو بازیگر در نوسان نزاع‌های دینی و دارا بودن احزاب سیاسی اصلی مدافع سیاست‌های سکولار و مذهبی با دیگر کشورهای توسعه‌یافته هم‌خوان نیستند. به‌رغم تفاوت‌های مشهود میان ترکیه و اسرائیل، هر دو آنها شاهد برخاستن احزاب سیاسی مذهبی و واکنش‌های شدید از سوی اجتماع‌های سکولاری بوده‌اند که زمانی همبستگی داشتند. هم در ترکیه و هم در اسرائیل اختلافات توسط رسانه‌های سکولار و مذهبی برجسته شده است.

مقاله حاضر با در نظر گرفتن نقش تاریخی رسانه‌ها در ترکیه و اسرائیل، به‌ارایه تحلیل کیفی و مقایسه مطبوعات در آنها می‌پردازد. رسانه‌های جمعی هم در ترکیه و هم در اسرائیل به‌وسیله دولت کنترل شده و هیچ‌کدام تا اوایل دهه ۹۰ میلادی دارای بخش خصوصی نبوده‌اند. برخلاف این، هم نهادهای سکولار و هم نهادهای مذهبی در ترکیه و اسرائیل به‌وسیله تعدادی از مطبوعات بازنمایی می‌شدند. در راستای مقایسه رسانه‌ها در دو بازیگر منطقه، این مقاله تلاش در یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها دارد: تفاوت رسانه‌ها در بازنمایی نهادهای سکولار و مذهبی در چارچوب‌بندی^۱ حوادث به چه

۱. چارچوب‌بندی یا قالب‌بندی (Framing) از مباحث مطرح شده در علوم اجتماعی است که در دهه‌های اخیر در تحلیل رسانه‌ها مورد توجه محققان قرار گرفته است. هرچند انتخاب واژگان از مباحث علم پرقدمت کلام بوده است، تحقیقات امروزی پیرامون تحلیل چارچوب‌ها ریشه در ایده‌های اروینگ گافمن و کتابی از او دارد که در ۱۹۷۴ منتشر شد. اخیراً زبان‌شناسان و پژوهشگران مطالعات رسانه افزون بر تحقیق پیرامون تحلیل چارچوب‌های مشخص در متن، به بسط این نظریه در سطح تولید و دریافت اخبار نیز پرداخته‌اند. م.

شکلی است؟ آیا رسانه‌های سکولار و مذهبی در میزان عملکردشان به‌عنوان شاهد و مکانی برای بازنمایی دیدگاه‌های متفاوت و یا به‌عنوان نمایندگان نهاد خود متفاوتند؟ آیا نقش‌های فرضی رسانه‌های رقیب در ترکیه و اسرائیل متفاوتند؟ اگر این‌گونه است، به چه دلیل؟

نقش رسانه‌ها

تقویت دموکراسی و جمع‌گرایی از طریق فراهم آوردن زمینه‌ای برای زنجیره گسترده‌ای از نظرات و ایده‌ها از کارکردهایی است که اغلب به رسانه‌ها منتسب می‌شود. در انجام این کار، رسانه نیز با توجه به عملکرد دریافتی دیگری (به‌عنوان نگهبان دموکراسی) اطلاعات انتقادی برای مردم در مورد رهبران‌شان ارائه می‌کند. این نقش از طریق ارائه اخبار عاری از نظرات و بازنمایی تمامی ابعاد مسائل سیاسی بحث‌برانگیز با اصل گزارش بی‌طرفانه در ارتباط است. هرچند سازمان‌های بین‌المللی خبری به‌طور جهانی بر بی‌طرف بودن و دیگر اصول مربوطه در رموز حرفه‌ای خود صحنه می‌گذارند، بسیاری از منتقدین وجود حقیقی بی‌طرفی را زیر سوال برده‌اند. به این شکل، تحقیق در زمینه چارچوب‌بندی نشان می‌دهد که چگونه جایگزینی و تاکید بر ابعاد خاص از یک گزارش خبری تاثیر قابل توجهی بر درک عمومی از اتفاقات داشته و در نتیجه افکار عمومی و سیاست‌گذاری را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در مدت زمان کشمکش‌های اجتماعی روزنامه‌ها اغلب به نماد گروه‌های خود تبدیل شده و گروه‌های رقیب را مورد هدف قرار می‌دهند. در این شرایط رسانه‌ها نقش شاهد بی‌طرف را برانداخته و در نزاعی حزبی پیش‌تاز می‌شوند.

مذهب و سیاست

ترکیه

نقش مذهب در طول تاریخ ترکیه مدرن با نوساناتی مشخص می‌شود. اکثریت نزدیک به اتفاق جامعه به‌عنوان مسلمان شناخته می‌شوند. با این وجود، در ۷۰ سال اول پس از پایه‌گذاری جمهوری (در ۱۹۲۳) سیاست عمومی قاطعانه اصول سکولار کمالیست را دنبال کرد و نهادهای سیاسی، نظامی، قضائی - دادگستری و دیگر نهادهای دولتی فعالانه نفوذ مذهبی را بر زندگی مردم و تصمیم‌گیری کشور محدود کردند. با این حال، در دهه ۹۰ میلادی نیروهای مذهبی شروع به

چالش کشیدن کنترل سکولارها کردند. تعدادی از عوامل داخلی و بین‌المللی حزب اسلامی محافظه‌کار را برای اولین بار از زمان بنیان‌گذاری جمهوری ترکیه مدرن قادر به گرفتن قدرت (در انتخابات دموکراتیک) کردند. ترکیه در حال حاضر توسط رجب طیب اردوغان و احمد داود اوغلو اعضای حزب محافظه‌کار مذهبی عدالت و توسعه رهبری می‌شود. یکی از شبکه‌های اسلام‌گرای حامی این حزب (که البته درگیری‌ها و تناقضات جدی‌ای نیز با آن در برخی دوره‌ها داشته است) جنبش گولن است که شبکه‌ای از نهادهای آموزشی، خدماتی، بهداشتی، نهادهای مذهبی، نهادهای مالی و خروجی رسانه‌ها در ترکیه و خارج را فعال می‌کند. اتحاد میان حزب عدالت و توسعه و جنبش گولن استقرار سیاسی و نظامی سکولار درازمدت را به چالش کشیده است. در حالی که کشمکش‌های اخیر بر سر قدرت میان حزب عدالت و توسعه و جنبش گولن پرسش‌هایی را در مورد ثبات اتحاد این دو برانگیخته است، ترکیه در سال‌های اخیر به‌وضوح شاهد تغییر ساختاری قابل‌توجهی در نفوذ رو به رشد دین در جامعه و سیاست بوده است.

در دهه اخیر بر اثر تغییرات قانونی مفروض و گزارش رسانه‌ای در مورد دیدگاه مذهبی رهبران حزب عدالت و توسعه گفتمان عمومی در مورد مذهب داغ‌تر شده است. در ابتدا، بخش قابل‌توجهی از بحث عمومی حول مسئله حجاب زنان در مکان‌های عمومی و به‌خصوص در مدارس بود. گرچه هویت مذهبی - سیاسی از طریق پوشش و دیگر نمادها در ترکیه معمول بوده اما این مسئله اخیراً برجسته‌تر شده است؛ چرا که از آن برای نشان دادن حمایت یا عدم حمایت از حجاب به‌عنوان مسئله‌ای برای ارزیابی ظرفیت‌های مذهبی - فرقه‌ای در سیاست ترکیه استفاده گردیده است. نگرانی دیگر برای سکولارها، حضور رو به رشد کنشگران مذهبی در مقام‌ها و درجات سیاسی و اداری و همچنین نفوذ بالای مدارس مذهبی است. یکی از اصلاحات سیاسی اخیر در آموزش اجباری، در میان دیگر موارد، دروس مذهبی انتخابی را در مقطع پنجم شامل می‌شد.

اسرائیل

رابطه میان دین و دولت در همسایه جنوبی ترکیه یعنی اسرائیل نیز زیاد است. تنش‌های مذهبی اصلی در درون جمعیت یهودی اسرائیل که با توجه به سطح به‌جا آوردن آداب مذهبی از

سکولار تا ارتدکس مدرن و ارتدکس افراطی یا حریدی تقسیم شده‌اند، قرار دارد. اکثر اختلافات مذهبی در اسرائیل از نزاع‌های بین سکولار و یهودی‌های حریدی سرچشمه می‌گیرد. نزاع مذهبی را برخی افراد یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای آینده اسرائیل می‌دانند.

از زمان تاسیس اسرائیل حزب کارگر سکولار مسلط بوده است. با این وجود، در ۱۹۴۷ برای جلب حمایت رهبران اولترا ارتدکس اولین نخست‌وزیر اسرائیل تعهدی کتبی از امتیازات به رهبران مذهبی داد. این تعهدات کنترل ارتدکس ازدواج، معافیت نظامی برای جوانان حریدی و تخصیص بودجه به نهادهای مذهبی را شامل می‌شد. در سال‌های اخیر، خشم سکولارها از معافیت مذهبی حریدی‌ها، کنترل ارتدکس ازدواج و حمایت مالی از نهادهای مذهبی تشدید شده است.

چیزی مشابه اتفاقات ترکیه، پوشش، تفاوتی قابل مشاهده بین سکولارها و مذهبیون را شامل می‌شود. زنان و مردان ارتدکس پوشش‌های معمولی‌تری دارند و لباس سیاه حریدی نمادی است که بسیاری از مردم سکولار از آن می‌ترسند و متنفرند. مانند بنیادگرایان دیگر مذاهب، حریدی‌ها نسبت به آنچه به‌عنوان جامعه سکولاری که به‌طور فزاینده رو به فساد است و در آن زنان جوان لباس نامناسب یا با پوشش کمتر بر تن دارند و آداب مذهبی علنا به سخره گرفته می‌شود، واکنش نشان می‌دهند. چه سکولارها و چه مذهبی‌ها بر این باورند که وضع موجود به ضرر آنها پیش می‌رود. تفاوت‌های میان مذهبی‌ها و سکولارها از طریق نظام سیاسی رژیم تشدید می‌شود. با نمایش مجلسی که بین حزب‌های مختلف تقسیم شده است، اسرائیلی‌های سکولار بر این باورند که حزب‌های مذهبی دارای قدرت نابرابر در سیاست‌گذاری هستند.

رسانه‌های خبری و مذهب

ترکیه

در ترکیه، رسانه‌های خبری نقش قابل‌توجهی در شکل‌دهی دستور کار سیاسی ایفا می‌کنند. تمرکز مالکیت رسانه‌ای در طول سه دهه اخیر با دو گروه (دوگان و تورکواز) که اکنون حدود هشتاد درصد مالکیت تبلیغات و پخش روزنامه و مجله را کنترل می‌کنند، تشدید شده است. روزنامه برجسته زمان با تیراژ تقریبی یک میلیون (حدود بیست درصد تمامی روزنامه‌های فروش

رفته) به‌طور تنگاتنگی به جنبش مذهبی پرنفوذ گولن که با حزب عدالت و توسعه حاکم در اتحادی استراتژیک است، وابسته می‌باشد. حریت و پستا، روزنامه‌های پرفروش بعدی متعلق به دوگان است که سرمایه‌گذاری فراوانی در تجارت، سرمایه، تورسیم و بیمه نموده است. دوگان زمانی پرقدرت‌ترین رسانه گروهی محسوب می‌شد که اکثریت تیراژ روزنامه‌ها را کنترل می‌کرد. با این حال، روزنامه‌های دوگان که دولت عدالت و توسعه را مورد حمله قرار داده و اردوغان را به پیشبرد کشور به سوی حاکمیت مذهبی متهم کرده است، در ۲۰۰۹ یک جریمه ۲.۵ میلیارد دلاری دریافت کرد و سپس تلاش کرده داری‌هایش را به فروش برساند. منتقدین دولت بر این عقیده‌اند که این جریمه نتیجه نزاع این گروه رسانه‌ای با دولت بوده است.

از لحاظ تاریخی، رسانه‌های خبری ترکیه بیشتر شبیه مطبوعات اروپا و آمریکای لاتین بوده‌اند تا شبیه مدل‌های آمریکایی. رسانه‌های مذهبی و سکولار رقیب مرتباً سرمقاله‌ها را به‌عنوان خبر تزریق کرده‌اند؛ مواردی که برای تخریب اعتبار طرف دیگر طراحی شده است. در نتیجه فینکل این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «در ترکیه ارزیابی‌ها و توازن‌هایی که از طیف رسانه انتظار می‌رود، به وقوع نمی‌پیوندد.»

اسرائیل

رسانه‌های اسرائیل نیز مانند ترکیه بر اساس مدل اروپایی توسعه یافته‌اند؛ یعنی در جهت بسط جنبش‌ها یا احزاب سیاسی؛ با اینکه اخیراً دستخوش «آمریکایی شدن» توصیف شده‌اند. اکثریت عبری‌زبان جامعه یکی از چهار روزنامه ملی اصلی بخش خصوصی را می‌خوانند: *اسرائیل هیوم*، *یدیوت آهرونوت*، *معاروو* و *هآرتص*. این روزنامه‌ها اساساً برای جمعیت سکولار نوشته شده و بیانگر طیفی از افکار است. آرای افکار عمومی نشان می‌دهد که رسانه‌های اصلی در اسرائیل به‌عنوان «به‌شدت سکولار» و «متعصب در برابر عموم مذهبی» پنداشته می‌شوند.

روزنامه‌نگاران اسرائیل مانند ترکیه برجسته بوده و نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کنند. طرح‌های رسانه‌ای غالباً برای رسانه‌ها گذار یا تغییری در سیاست به‌وجود آورده است. رهبر دومین حزب بزرگ سیاسی یائیر لپید که گرایش اصلی‌اش به رای‌دهندگان سکولار که از امتیازات

داده شده به اولترا اورتدکس خشمگین هستند بوده است، از ۲۰۱۴ یک روزنامه‌نگار بوده است. به‌همین ترتیب، رهبر حزب کارگر (سومین حزب بزرگ در واپسین انتخابات پارلمانی) شخصیت خبری رادیو و تلویزیون بوده است. یک ژورنالیست پیشین دیگر، اسرائیل ایچلر، یک نماینده خریدی است و رسانه سکولار اسرائیل را به ضدیهود بودن در حمله به مذهب‌یون متهم کرده است.

نزاع رسانه‌ای و مذهبی در میان دستورکار عمومی

ترکیه

۱۱۹

توسعه سریع رسانه‌های دینی در دهه نود میلادی آنها را چه در فروش و چه در قدرت شکل‌دهی سیاست در رده‌ای برابر با رسانه‌های اصلی قرار داد. در نتیجه، رسانه‌های ترکیه امروزه با تقسیمی روشن بین رسانه‌های اصلی اساساً مشغول افزایش ارزش بازرگانی از طریق تیراژ و درجه بالاتر و رسانه‌های محافظه‌کار/اسلام‌گرا/دولتی که به‌طور عمده در پخش دیدگاه‌شان مشغولند، مشخص می‌شوند. با اینکه هر دو گروه عمیقاً در سیستم اقتصادی موجود سنگر گرفته‌اند، مرتباً پیرامون مسائل مشخص کردن ترتیب اجتماعی - سیاسی ترکیه با یکدیگر دچار چالش می‌شوند. پرتیراژترین و پرقدمت‌ترین نشریه مربوط به روزنامه زمان است که (همان‌طور که اشاره شد) مربوط به جنبش مذهبی گولن است. زمان به‌عنوان هدایت‌کننده اصلی جریان اسلامی خوانده شده و در تغییرات ساختاری که حامی آنهاست، با تلاش در اسلامی‌کردن سیستم سیاسی موجود بدون به چالش کشیدن چارچوب سرمایه‌داری آن متعادل عمل می‌کند. در مذاکرات سیاسی زمان تقریباً بدون استثنای طرفدار حزب عدالت و توسعه بوده و به‌عنوان بسیج‌کننده علنی برای این حزب در دوران انتخابات شناخته می‌شود.^۱

دیگر روزنامه‌های مذهبی برجسته عبارتند از: ینی سفک، که به‌وسیله گروه اسلامی البایراک

۱. البته این موضوع هواداری نشریه زمان از حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۱۴ و در آستانه سال ۲۰۱۵ دچار تغییراتی شده است که به نظر می‌آید برابند تفاوت‌های بنیادین موجود در خوانش گفتمانی حزب عدالت و توسعه و جماعت گولن از اسلام‌گرایی و نیز تضاد منافع میان این دو گروه اسلام‌گرا باشد. م.

حمایت مالی شده و از زمان مذهبی‌تر فرض می‌شود و ینی آکیت که در دستور کار سیاسی‌اش با دفاع از قانون شرعی اسلامی و به چالش کشیدن مستقیم نهادهای سکولار افراطی‌تر است. در آخر میلی‌گرت نشریه نیمه‌رسمی حزب فضیلت است که نسل قدیمی‌تر و ارتدکس‌تر اسلام سیاسی که رهبران عدالت و توسعه به وجود آوردند را نشان می‌دهد.

میزان، حجم و برجستگی خبری که به موارد مذهبی یا طرفدار دولت یا هر دو داده می‌شود، مانند چارچوب‌بندی و استفاده از گرافیک، رسانه‌های مذهبی و سکولار را متمایز می‌کند. برای مثال، روزنامه‌های مذهبی‌تر نمادهای اسلامی بیشتر مثل هلال ماه یا صحنه‌های مذهبی (از مساجد و اجتماع‌های در حال عبادت) تقویم مذهبی و نشانه‌های عبادتی به کار می‌برند. با توجه به میزان ارتدکس بودن یک روزنامه خاص، زنان یا به شکل محجبه نشان داده می‌شوند و یا اصلاً نشان داده نمی‌شوند. و مهم‌تر آنکه انتخاب و اولویت‌بندی آیتم‌های خبری به‌طور مشخص منعکس‌کننده یک دستور کار سیاسی ارجح می‌باشد.

با این وجود، خط گسل نزاع‌های مذهبی در رسانه‌های ترکیه اغلب مشخص نیست. به شکلی که برخی از رسانه‌های مذهبی و سکولار نویسندگانی دارند که از موقعیت مرکزی و مشخص نشریه خودشان منحرف شده‌اند. تسلط بیش از ده ساله حزب عدالت و توسعه مذهب را در گفتمان سیاسی عادی کرده و آنچه زمانی به‌عنوان یک تقسیم سکولار - اسلامی روشن در رسانه‌ها وجود داشت، اکنون پیچیده‌تر و اغلب در پس موقعیت‌های طرفدار و ضددولتی در مسائل مختلف (مانند سیاست خارجی، نزاع کردها، اقتصاد و اخیراً همان‌طور که بیان خواهد شد، تخریب یک پارک عمومی) پنهان شده است. افزون بر این، مخالفت با حزب عدالت و توسعه به سرکوب رسانه‌ای و آزادی بیان منجر شده و باعث گردیده است تا رسانه‌های اصلی سکولار و وابسته به گفتمان‌های دیگر اسلام‌گرایی از پرداختن به مسائل و سوالاتی که می‌تواند به‌طور بالقوه دولت را به چالش بکشد، امتناع کنند.

نزاع سیاسی ترکیه در رسانه‌ها نیز منعکس شده است، به‌طوری‌که هر گروه مسائل و بحث‌ها و بازیگران سیاسی طرف مقابل را به شکل تهدیدی برای موجودیت خود نشان می‌دهد. طبق گفته کایا و چاکمور، «خروجی رسانه‌های گروه‌های مخالف نه‌تنها برای حق بیان علائق و اهداف خود که برای سرکوب دیدگاه‌های دیگر نیز درگیرند. اولویت نخست آنها متمایل به تقویت چارچوب‌های

تفسیری بوده که تنها با یک طرز زندگی خاص یا یک هدف مقدس خاص «هم‌خوان است. مثالی از چارچوب‌بندی واگرای این‌چنینی در ۲۰۱۴ و در ارتباط با گزارش درخواستی برای اصلاح قانون اساسی که نقل قول‌های جنسیتی را ترویج می‌داد، رخ داد. در حالی که رسانه‌های مذهبی صدای فمینیست‌ها را نادیده گرفته و یا به حاشیه راندند، رسانه‌های سکولار آن را در پوششی مثبت و در قالب حرکتی مترقی به سمت برابری جنسیتی نشان دادند. دوگانگی مشابهی نیز در چارچوب‌بندی مسائل غیرسیاسی دیده می‌شود. برای نمونه، در مورد یک روزنامه‌نگار محافظه‌کار متهم به کودک‌آزاری، روزنامه‌های مذهبی تقریباً آن را نادیده گرفتند، در حالی که روزنامه‌های سکولار این موضوع را در قالب نوعی فساد یا زندگی ریاکارانه مذهبیون نشان دادند.

یک مثال مشخص دیگر از چارچوب‌بندی قطبی رسانه‌ها در نزاع‌های سکولار - مذهبی در سال ۲۰۰۸ و در جریان انتشار یک تحقیق بحث‌برانگیز روی داد. این مطالعه نشان می‌داد گروه‌هایی که خارج از سیستم مذهبی اخلاقی و ارزشی جامعه ترکیه بودند، چگونه بر اثر فشار دیگر افراد جامعه به حاشیه رانده می‌شدند. نتایج این مطالعه طوفان تندی از مقالات و سرمقاله‌های خبری به‌راه انداخت که شکاف رسانه‌ها را در سیاست‌های مذهبی و دولتی منعکس می‌کرد.

این مطالعه با اشاره به این موضوع که حزب عدالت و توسعه نظام سرکوب‌کننده و محافظه‌کار اجتماعی رو به رشدی را تقویت می‌کند که در آن متفاوت‌ها و دگراندیشان رنج می‌برند، عکس‌العمل‌های تندی را برانگیخت. این تحقیق همچنین منجر به یکی از نخستین بحث‌های عمومی در مورد تاثیر شبکه گولن حامی عدالت و توسعه شد. در میان رسانه‌های مذهبی زمان با جایگاه محکم طرفدار احزاب عدالت و توسعه این گزارش را تقبیح کرد. یکی از مقالات خبری به بیان این مسئله پرداخت که این گزارش نیاز به کلاس‌های مذهبی در مدارس را ثابت کرده است؛ چراکه گفته می‌شد این گزارش فاقد دانش پایه‌ای در مورد اسلام است. مقاله‌ای دیگر پیشنهاد می‌داد که این گزارش تقلبی بوده و اخبار مربوط به فشارهای مذهبی درست نبوده‌اند؛ چراکه نویسندگان به ابراز این مسئله پرداخته که اسلام در ذات خود پذیرنده تغییرات است. مقالات مشابه دیگر به‌طور مستقیم تمامیت محققین را زیر سوال برده و بیان می‌داشتند که اجماعی سیاسی برای جمع کردن سند و مدرک علیه دولت و اسلام در حال شکل‌گیری است.

در مقابل، رسانه‌های اصلی سکولار با اعتقاد بر اینکه این مطالعه در نهایت سندی در حمایت از تردیدهای از پیش موجود در مورد یک تهدید مذهبی ارائه کرده، آن را تحسین کردند. جمهوریت، مدافع وفادار سکولاریسم کمالیست، گزارش داد که این مطالعه اثبات کرد که دولت اسلامی حزب عدالت و توسعه شبکه‌هایی را برای تغییر کشور ایجاد کرده است. مقاله‌ای در ملیت، یکی از روزنامه‌های سکولار اصلی، به بیان این مسئله پرداخت که این مطالعه نشان داده که وضعیت کشور چیزی ورای دوگانگی مذهبی - سکولار بوده و اکنون دربردارنده ویژگی‌هایی چون سرکوب اسلامی و نادیده گرفتن و تحقیر دیگران است.

از این رو، هر دو طرف به برانگیختن ترس و عصبانیت دامن زدند. رسانه‌های سکولار گزارش دادند که این تحقیق بر سوءظن‌های سکولارها در مورد حزب عدالت و توسعه برای پیشبرد اهدافش در تبدیل کردن ترکیه به یک قلمرو اسلامی و تهدید زندگی سکولارها صحنه گذاشته است. برخلاف این، رسانه‌های مذهبی یا طرفدار حزب عدالت و توسعه نسبت به آنچه به‌عنوان حمله‌ای غیرعادلانه به مذهب و سیاست دولتی که از طریق انتخابات دموکراتیک بر سر کار آمده، ابراز نارضایتی کردند.

در اواخر ماه می و اوایل ژوئن ۲۰۱۳، دوگانگی رسانه‌های ترکیه در هرج و مرج داخلی مجدداً نمایان شد. آنچه به‌عنوان یک اعتراض داخلی در جریان تخریب یک پارک در مرکز استانبول شروع شده بود، به اعتصاب‌های ملی وسیع در اعتراض به سرکوب دولتی توسط نیروی افراطی پلیس انجامید. آخر هفته پس از اولین برخورد معترضان و دولت صحنه یکی از شدیدترین واکنش‌های مردم (در خیابان‌ها و شبکه‌های اجتماعی) در تاریخ معاصر ترکیه بود. یکی از میدان‌های اصلی جنگ رسانه‌ها بودند که در آنها دو ساختار - چارچوب - کاملاً متضاد پدید آمد. درحالی‌که رسانه‌های طرفدار دولت مدعی بودند اعتراضات توطئه‌ای برای به چالش کشیدن رژیم حزب عدالت و توسعه بوده، روزنامه‌های مخالف اعلام کردند که زمان ایستادن مردم در مقابل سیاست‌های استبدادی دولت فرا رسیده است. برای نمونه، عنوان مقاله‌ای در *ینی سفک* این بود: «تبلیغ‌نامه سیاه». این مقاله خود گزارش می‌داد که به‌عنوان نتیجه‌ای از اعتراضات، آژانس‌های تبلیغاتی بین‌المللی دست از جلب توجه مردم به رسانه‌های خبری کشیده و اشاره می‌کرد که

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هفدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۵

اعتراضات ممکن است یک توطئه سیاسی برای به چالش کشیدن دولت باشد. سرمقاله‌ای دیگر در صفحه نخست ینی سفک همان روز با نشان دادن معترضان به‌عنوان ولگردهایی که از تخریب اموال عمومی لذت می‌بردند، بیان می‌کرد اعتراض‌کنندگان «در حال تخریب، شادی می‌کردند». به‌شکلی مشابه، سرمقاله *زمان* در آن موقع این بود: حساسیت محیطی به تخریب تبدیل شد، درحالی‌که ینی/تیک چارچوب توطئه را برگزید و گزارش داد نیروهای سیاه در کارند. دیگر نشریات طرفدار دولت با نشان دادن رفتار معترضان به‌عنوان رفتاری غیرمسئولانه و عدم ذکر خشونت‌های پلیس به شدت بر هزینه تخریب‌های به‌وجود آمده توسط معترضان خیابانی تاکید کردند.

برخلاف این، روزنامه‌هایی که اغلب نماینده اپوزیسیون سکولار هستند، نخست‌وزیر وقت را به تشدید تنش‌ها متهم کردند. سرمقاله جمهورییت، «نزاع با مردم» بود و مقاله همراه آن ابراز می‌کرد تمسخر معترضان توسط اردوغان به‌عنوان عده‌ای غارتگر، خشم عمومی را تحریک کرده و منجر به گسترش جمعیت در مرکز شهر شده است. جمهورییت همچنین گزارش داد که پلیس مردم را در سراسر آخر هفته سرکوب کرد. رادیکال اهمیت اعتراض‌ها در فرستادن پیامی برای رهبران سیاسی را پررنگ کرد. سرمقاله کوچک‌تری در صفحه اول حاوی این عنوان بود: «گریه هویت سکولار» درحالی‌که مقاله تحت آن عنوان تحلیل یک متخصص از حوادث جاری در چارچوب یک انفجار عمومی ارایه می‌داد که به بیان خستگی سکولارها از سیاست‌های مذهبی حزب عدالت و توسعه می‌پرداخت. در روزهای بعد این چارچوب‌های متناقض (توطئه‌ای علیه دولت در برابر یک حرکت عمومی بر ضد آنچه سرکوب حزب عدالت و توسعه خوانده می‌شد) متناوبا به‌وسیله سیاستمداران استفاده و توسط رسانه‌ها تقویت می‌شد.

بنابراین در حالی‌که موارد بی‌شماری (از جمله روند مصالحه با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، اقتصاد ضربه‌پذیر، سوریه و غیره) در دستور کار ترکیه وجود دارد، ملموس‌ترین آن شکاف عمیق اجتماعی است که اساسا به‌وسیله حامیان و رهبران حاکمیت مذهبی حزب عدالت و توسعه مشخص می‌شود. جنگ میان چارچوب‌های رسانه‌ای به جدایی اجتماع‌های رقیب از یکدیگر و درک آنها از واقعیت‌های طرف مقابل کمک کرده است.

اسرائیل

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، بخش مذهبی در اسرائیل به ارتدکس مدرن و اولترا ارتدکس (حریدی) تقسیم می‌شود. گروه اول با اسرائیلی‌های سکولار زندگی و کار و در کل معاشرت می‌کنند و گاه به همان حزب‌های سیاسی رای می‌دهند و معمولاً روزنامه‌های هم‌سو را می‌خوانند. در طرف دیگر، اغلب حریدی‌ها اساساً اخبارشان را از دو روزنامه و یا دو - سه نشریه هفتگی می‌گیرند. اهمیت این نشریات به‌علت اینکه اینها تنها منابع خبری برای خوانندگانشان هستند، برجسته می‌شود؛ چراکه اولترا ارتدکس‌ها تلویزیون نگاه نمی‌کنند و دسترسی اینترنتی ندارند و رهبران حریدی خواندن نشریات سکولار را ممنوع کرده‌اند. محتوای خبری نشریات حریدی باید به‌وسیله یک سانسورچی هیئت خاخامی تایید شود. مانند ترکیه، مسئله زنان به‌خصوص برای روزنامه‌های مذهبی حساسست‌برانگیز است. برای حفظ حیا، عکس زنان هرگز در روزنامه‌های حریدی ظاهر نمی‌شود. این قانون سرسختانه تقویت می‌شود، به شکلی که سخنگوی پیشین پارلمان دالیا ایزتک و نخست‌وزیر پیشین تزیبی ایونی که رقیب اصلی نخست‌وزیر و بزرگ‌ترین حزب سیاسی اسرائیل نیز بود، هرگز در هیچ‌کدام از نشریات حریدی نشان داده نمی‌شد.

همانند ترکیه، رسانه‌های سکولار و مذهبی خطرات احتمالی را برای جایگاه جوامع خود در برابر وضع موجود پررنگ می‌کنند. برای مثال، اخیراً یک تحقیق منتشر شده در مورد باورهای مذهبی موجب به‌راه افتادن سیلی از مقالات و سرمقاله‌هایی شد که هشدار می‌دادند جمعیت سکولار به‌زودی به یک اقلیت تقلیل خواهد یافت و دموکراسی کشور به‌وسیله غلتک مذهبی تهدید خواهد شد. این حقیقت که جمعیت حریدی، ارتدکس و سکولار در طی دهه‌های گذشته چندان تغییری نکرده است و با وجود اینکه افزایش کمی در درصد معتقدین به خدا وجود داشته، در چندین مقوله اعمال مذهبی کاهش یافته در میان سرمقالات بی‌شمار گم شده بود. به همین شکل، روزنامه‌های سکولار مرتباً داستان‌های ستارگانی که مذهبی شده‌اند را برجسته می‌کردند. اتزیونی‌ها لوی معتقد است که این داستان‌ها بیشتر برای اعمال تهدید احساسی در مورد گرایش به مذهب به خوانندگان سکولار می‌باشد، درحالی‌که در واقع بر اساس آمار بیشتر مردم تمایل کمتری به مذهبی شدن دارند. اشاره این گزارش‌ها به این موضوع است که سکولار بودن امری عادی و فاقد ارزش خبری

بوده، در حالی که مذهبی تر شدن غیرعادی و احتمالا حتی ضد اجتماعی است. در مطبوعات سکولار مرتبا رسوایی‌هایی به رهبران سیاسی مذهبی نسبت داده می‌شود و دادگاه فساد اعضای سرشناس احزاب سیاسی مذهبی اغلب عناوین صفحه اول را تشکیل می‌دهند. عموماً، چارچوب‌بندی اشخاص مذهبی به‌وسیله رسانه‌های اصلی سکولار به‌عنوان اشخاص افراطی در لباس سیاه و سیاست‌مداران کلاه‌بردار و پارازیتی بوده است. در مقابل مطبوعات خریدی خصوصیات منفی یهودی‌های سکولار را در کاستی نجابت در پوشش و رفتارشان بازنمایی می‌کنند.

چارچوب‌بندی نزاع مذهبی - سکولار به‌وسیله چند موضوع اصلی با مسئله جنسیت به‌عنوان تحریک‌کننده‌ترین آنها مشخص می‌شود. برای نمونه در دسامبر ۲۰۱۱ یک زن سکولار سوار یک اتوبوس شهری شد که قبلاً به‌وسیله اولترا ارتودوکس‌ها استفاده می‌شده که به‌طور داوطلبانه از صندلی‌های جدا برای زنان و مردان استفاده می‌کردند. اصرار این زن بر نشستن در ردیف جلوی قسمت مردان سبب ایجاد یک اغتشاش شد. مطبوعات سکولار از این مسئله برای نشان دادن رفتارهای ابتدایی (عقب‌مانده)، متعصب و پرخاشگر خریدی‌ها استفاده کرده و آن زن را «رزا پارکس اسرائیلی» نامیدند. در مقابل، رسانه‌های مذهبی با شواهد رفتار به گفته آنها فتنه‌گرانه مبارزه کردند و اشاره کردند که این زن یک ژورنالیست آزاد - غیروابسته - بوده و بنابراین ادعا کردند که او این حادثه را برای تبلیغ و شهرت به‌وجود آورده است. چارچوب‌بندی رسانه‌ای این مثال‌ها بی‌اعتمادی، ترس و دوگانگی را در میان اقشار مختلف جامعه تشدید می‌کند.

حوزه اصلی دیگر نزاع میان خریدی‌ها و سکولارها تخصیص منابع دولتی به نهادهای مذهبی آموزشی و حمایت از کودکان است. مطبوعات سکولار اغلب تلاش‌های احزاب سیاسی مذهبی برای دریافت بودجه بیشتر برای مدارس مذهبی را به‌عنوان اخاذی تلقی کرده و به ارایه و مقایسه اطلاعات برای نشان دادن اینکه نهادهای خریدی سهم بزرگ نامتناسبی از بودجه تحصیلی را دریافت می‌کنند، پرداختند. در مقابل مطبوعات خریدی با ارایه اطلاعات رقابتی، به بیان این مسئله پرداختند که انتقاد از بودجه یا برنامه‌های آموزشی نهادهای آموزشی مذهبی ادامه تبعیض و آزار از سوی اکثریت سکولار است.

انتخابات ۲۰۱۳ تغییری اساسی در شکاف خریدی - سکولار به‌وجود آورد. حزبی جدید به نام

پیش‌اتید که به‌وسیله روزنامه‌نگار سابق یائیر لاپید رهبری می‌شد، دومین حزب بزرگ در مجلس شد. برنامه اصلی انتخاباتی آنها منافع مالی و معافیت از خدمت نظامی اولترا - اورتدکس‌ها را مورد حمله قرار داد. به‌عنوان قسمتی از توافق ائتلافی، لپید وزیر مالی شد و حزب او با حفظ وعده‌های انتخاباتی شروع به کار کرد. لپید در مقام جدیدش قطع بودجه‌هایی را برای حل کمبود بودجه اعمال کرد. این موارد در بردارنده پرداخت‌های کاهش یافته به نهادهای مذهبی آموزشی و حمایت از کودکان اولترا - اورتدکس‌ها بود و این موضوع به‌خصوص برای اولترا - اورتدکس‌ها دردناک بود؛ چراکه اینها دارای خانواده‌های پرجمعیتی هستند. در دوم آوریل ۲۰۱۳، لپید در نخستین سخنرانی‌اش به‌عنوان نخست‌وزیر با اعضای خریدی مجلس دچار درگیری شدید شد.

روزنامه‌های سکولار در حالی که از مشکلات احتمالی به‌وجود آمده، بر اثر قطع کردن بودجه انتقاد می‌کردند، به‌طور کلی درگیری لپید با خریدی‌ها را با عبارات نسبتاً معتدلی توصیف می‌کردند. هآرتص از لپید نقل قول کرد که والدینی که علاقه‌مند به داشتن فرزندان زیاد هستند (اشاره به خریدی‌ها)، باید امکانات حمایت از آنها را داشته باشند نه اینکه صرفاً به دولت تکیه کنند. این رسانه همچنین گزارش داد لپید به خریدی‌ها گفته است که اسرائیل ملک مطلق آنها نیست. با اینکه گزارش در صفحه اول منتشر شده بود، خبر اصلی نبود. افزون بر این، این گزارش واقع‌گرایانه و ظاهراً در توصیف مجادله سیاسی رایج بود. همچنین، صفحه نخست روزنامه پرتیراژ یدیوت آهرونوت به اعتصابی فرودگاهی، قهرمانی فوتبال و تصمیمات بودجه‌ای نخست‌وزیر اختصاص یافته بود. گزارش آخر کمی بیش از یک عنوان در صفحه اصلی داشت و در بخش اقتصادی ادامه پیدا کرده بود. در زیر آن کادری در مورد داستان‌های دیگر موجود با این عنوان در روزنامه بود: «بهترین نمایش در کنست: لپید در کشمکش با خریدی‌ها و بالعکس». داستانی مشابه در همان شماره از تعاملات بچه‌گانه‌ای گزارش می‌داد که در آن خریدی‌ها لپید را مورد حمله لفظی قرار دادند و او با لطافت طبع به جلوگیری از این امر پرداخت.

در مقابل، در همان روز روزنامه خریدی یاتند نیمان یک عنوان را در صفحه اول پوشش می‌داد: «دولت تنفر و حذف خریدی‌ها». در زیر آن نقل قول‌هایی از نمایندگان خریدی آمده بود که: «ما به آنها اجازه نمی‌دهیم دانش‌آموزان مذهبی را مورد آزار قرار دهند»، «زمان کنونی، زمانی بی‌سابقه

سخت» است و «یک جنگ تمام‌عیار». در این شماره مصاحبه‌های مفصلی با نمایندگان خریدی داده شده بود که آنچه به‌عنوان یک توسعه خطرناک دیده بودند را شرح می‌دادند. روزنامه خریدی *هامودیا* در داستان اصلی، این اتفاقات را با نشان دادن بی‌طرفانه وزیر مالی و نخست وزیر گزارش می‌کرد. لیکن، در کنار این گزارش، در وسط صفحه اصلی مقاله‌ای نوشته شده توسط همان نویسنده با عنوانی نقل‌قولی از یک نماینده خریدی آمده بود که: «ما سنت آموزشی خود را تغییر نخواهیم داد به‌رغم اینکه آنها به تنبیه نوه‌های من به خاطر نخواندن و رعایت نکردن برنامه درسی بپردازند.» در این مقاله نویسنده وزیر آموزش از حزب لیپید را که تهدید به قطع بودجه مدارس خریدی در صورت عدم آموزش برنامه تحصیلی (شامل ریاضیات، علوم و زبان انگلیسی) کرده بود مورد انتقاد قرار داد. در گزارش پاسخ نماینده وی نظام آموزشی خریدی را تحسین کرده و با تکرار یک موضوع مشترک خریدی‌ها در مورد ارجعیت فرهنگشان بر آنچه فرهنگ منحط و بی‌ارزش سکولار می‌نامند با گفتن اینکه «کودکان مدارس خریدی مست نمی‌شوند و از مواد مخدر استفاده نمی‌کنند و ما در حیات مدرسه‌هایمان برای مشاهده اینکه چه کسی اول چه کسی را می‌زند - معلم یا دانش آموز - احتیاجی به دوربین نداریم» طعنه‌ای به مدارس مذهبی زده بود.

درگیری دیگر میان حزب سکولار لیپید و سیاست‌مداران خریدی در حدود یک ماه بعد از این جریان روی داد. در ۲۷ می ۲۰۱۳ یک کمیته مجلس که به‌وسیله یک عضو ارشد یش آتید رهبری می‌شد، تغییراتی را نهایی کرد که منجر به انتخاب اجباری ارتش از مردان خریدی شد. یکی از موارد مشمول پس از بحث‌های زیاد تحریم‌های ظالمانه برای آنهایی بود که خود را معرفی نمی‌کنند. این تصمیم پس از نزاعی میان حزب لیپید و وزیر دفاع یعلون از حزب لیکود اتخاذ شد که حاضر نبود تحریم‌ها را در قانون وارد کند، بلکه تمایل داشت آنها را به رای و تصمیم وزارت دفاع واگذار کند. این موضوع یک بحران ائتلافی را به‌دنبال داشت که در آن نخست وزیر لیکود نتانیاو مداخله کرده و به یعلون دستور داد عقب‌نشینی کند و بگذارد تحریمات علیه پیش‌نویس انجام شود.

هآرتص سکولار این ماجرا را در مقاله‌ای کوچک در صفحه اول تحت عنوان «به‌سوی حل بحران: توافقی در مورد تغییر پیش‌نویس ارایه شد» گزارش داد. این مقاله و مقاله‌های همراه در صفحات داخلی اغلب به برندگان و بازندگان از میان شرکای ائتلاف بدون ارایه دید خریدی‌ها نسبت به این

قانون خبر می‌دادند. به همین شکل، گرچه این خبر صفحه نخست *یدیعوت /خرونوت* را پوشش می‌داد، به‌عنوان نزاعی میان یعلون و لیپید نشان داده شده بود (با عکس صورت هر دو). در همراهی داستان اصلی با عنوان «تانیاهو به یعلون: قانون پیش‌نویس را تایید کن» دو مقاله نظری در مورد این دو کنشگر بود. مجدداً، نظر خریدی‌ها در مورد این قانون، در درجه دوم قرار گرفته بود.

با تفاوتی چشمگیر، تقریباً کل صفحه اول *هامودیای* خریدی، آن روز با این خبر پر شده بود و عنوان اصلی آن این بود: «اسرائیل تنها [کشور] دنیاست که یهودی‌ها را به‌خاطر جرم مطالعه تورات به زندان می‌اندازد.» به‌رغم عنوان دراماتیک، این مقاله شرحی نسبتاً مستقیم از نمایش مبارزه میان لیکود و یش آتید ارائه می‌داد. با این حال، در پی این عنوان، مقالات نظری آمده بودند که نسبت به توسعه‌های سیاسی منتقد بودند. روز بعد *همودیا* به گزارش این داستان در صفحه اول ادامه داد، با این عنوان: «به زندان انداختن یهودی‌ها به‌خاطر مطالعه تورات». درحالی‌که تصمیم کمیته مجلس در مورد قوانین جدید پیش‌نویس کمیته تقسیم وظایف نامیده می‌شود، در بدنه مقاله *هامودیا* از این روند با عنوان جنگ علیه عالم تورات اشاره می‌شود. در روزنامه خریدی *یاتدنیمان*، به این تصمیم به‌طور مشابه در مقاله‌ای در صفحه اول با عنوان حمله‌ای به خوانندگان تورات اشاره شده بود. در همان صفحه اول، عنوان اصلی دیگری از آنچه یک اظهار نظر ضد سامی به‌وسیله وزیر آموزش یش آتید (که یک خاخام ارتدکس مدرن نیز هست) نامیده شده بود، گزارش می‌داد که وی از خریدی‌ها به‌عنوان مزاحم و از نهادهای مذهبی خریدی یشیوا با‌عنوان زندان یاد کرده بود. این مطلب در مطبوعات خریدی به‌وضوح دیده می‌شد، در حالی که مطبوعات سکولار توجه کمی را به خود جلب کرده بود.

بنابراین، در حالی که موارد بحث‌برانگیز بسیاری در دستور کار عمومی اسرائیل است (مثل نزاع با فلسطینیان، مشکلات اقتصادی، مسئله سوریه و غیره)، یکی از جاری‌ترین مسائل، شکاف میان سکولارها و اولترا - اورتدکس‌هاست. چارچوب‌بندی دوگانه رسانه‌ها در باز‌نمایی طرف‌های مختلف واقعیت‌های متناوبی را به مردم ارائه داده و دشمنی میان گروه‌ها را تشدید می‌کند.

نتیجه‌گیری

انتظار می‌رود رسانه‌ها در یک جامعه دموکراتیک به افزایش انسجام، جمع‌گرایی و گفت‌وگو

عمومی کمک کرده و به‌عنوان شاهد عمومی عمل کنند. گرچه نهادهای رسانه‌ای حرفه‌ای بی‌شماری این مدل را به‌عنوان یک اصل راهنما در نظر گرفته‌اند، محتوای رسانه‌ها تحت‌تاثیر محیط سیاسی - اجتماعی روزنامه‌نگاران قرار دارد که ارزش‌ها و در اینجا تفسیر آنها از حوادث را شکل می‌دهد. هم در اسرائیل و هم در ترکیه، بخش مهمی از چنین محیطی بستر اجتماعی است که روزنامه‌نگار (مذهبی یا سکولار) به آن تعلق دارد. در نتیجه، عموم مردم اغلب اخباری را دریافت می‌کنند که با توجه به یک دیدگاه سیاسی - اجتماعی خاص شکل گرفته است.

۱۲۹

ترکیه و اسرائیل به‌خصوص در خاورمیانه به‌عنوان نظام‌های دارای ثباتی که به‌وسیله جنبش‌های همبستر ایدئولوژی‌های سکولار پایه‌گذاری شده‌اند، درخور توجه‌اند. در هر دو آنها اکثریت سکولاری که زمانی مسلط بودند، به‌وسیله قدرت رو به رشد جمعیت مذهبی و احزاب سیاسی نماینده آنها احساس تهدید می‌کنند. یکی از تفاوت‌های میان این دو بازیگر این است که در ترکیه سیاست‌گذاری به‌طور معمول به‌وسیله یک حزب مذهبی کنترل می‌شود، در حالی که در اسرائیل یک حزب سکولار (ضدمذهب) در سیاست‌گذاری به‌شدت پرنفوذ است. در هر دو مورد، رسانه‌هایی که به بازنمایی اقلیت می‌پردازند (آنهايي که حزبشان در قدرت نیست)، اتفاقات خبری خاصی را به‌عنوان تغییر تهدیدکننده برای وضع موجود نشان می‌دهند در حالی که رسانه‌هایی که نماینده صاحبان قدرت هستند درگیری‌ها را بی‌اهمیت جلوه داده و حوادث را در چارچوب یک بخش عادی از سیاست و سیاست‌گذاری نشان می‌دهند. در هر دو مورد اغلب رسانه‌ها دودستگی و شکاف رو به رشد میان مردم را تشدید می‌کنند.

با توجه به این دو مورد، پرسش‌هایی را در آغاز بحث مطرح کردیم. پرسش نخست به این شکل مطرح شد. رسانه‌هایی که جوامع متفاوت سکولار و مذهبی را بازنمایی می‌کنند چگونه و به چه کیفیتی در قالب‌بندی حوادث متفاوتند؟ با در نظر گرفتن این سوال، به این نتیجه رسیدیم که رسانه‌های سکولار اصلی در ترکیه و اسرائیل پدیداری رو به رشد و قدرت سیاسی بخش مذهبی را به‌عنوان خطری برای دموکراسی چارچوب‌بندی می‌کنند، و نه انعکاسی از انتخاب انتخاباتی مردمی که اکنون محافظه‌کارترند. اما، رسانه‌های مذهبی جامعه سکولار را بی‌اخلاق نشان داده و تلاش‌های آنان را برای جلوگیری از مسیر قانون محافظه‌کاری به‌عنوان حمله‌ای غیرعادلانه به نتیجه انتخابات

دموکراتیک نشان می‌دهند. در هر دوی آنها رسانه‌های هر دو طرف برای تصفیه و مصادره به مطلوب کردن اتفاقات در راستای برجسته‌کردن ترس از طرف مقابل ایجاد شده‌اند.

این سوال را نیز مطرح کردیم که آیا رسانه‌های هوادار سکولاریسم و رسانه‌های مذهبی در میزان عمل به‌عنوان نگهبان و نهادهایی برای دیدگاه‌های مختلف یا به‌عنوان نمایندگان جامعه با هم متفاوتند؟ در اینجا اشاره می‌کنیم که تفاوت‌های میان رسانه‌ها در هر دو پیچیده است. برای نمونه، از آنجا که جمع‌گرایی یک ارزش سکولار است، احتمال اینکه رسانه‌های سکولار تنوعی گسترده‌تر از دیدگاه‌ها ارائه کنند بیشتر است تا رسانه‌های مذهبی. به همین شکل، از آنجا که ارزش‌های مذهبی بیشتر متمایل به خوب یا بد قطعی هستند، رسانه‌هایی که این اجتماع را بازنمایی می‌کنند اغلب در گزارش‌هایشان از مسائل بحث‌برانگیز صریح‌تر هستند. با این وجود، هم در ترکیه و هم در اسرائیل، رسانه‌های طرف‌های مذهبی و سکولار به‌عنوان پیشتازی برای گروه خود عمل می‌کنند؛ رهبری، ترغیب، و چارچوب‌بندی فعال حوادث برای نشان دادن عدالت اعمال طرف خودشان و روایت سیاسی. بنابراین، نقش نگهبان ضرورتاً به هشدار دادن به جامعه خودشان در مورد تجاوز طرف مقابل محدود می‌شود. افزون بر این، در حالی که رسانه دیدگاه بخش‌های مختلف جامعه را نشان می‌دهد، دیدگاه‌های گوناگون کمابیش تنها قسمت‌هایی که تفکر مشابه داشتند را نشان می‌داد.

افزون بر اینها، این سوال را پرسیدیم که آیا تفاوتی میان نقش‌های مفروض رسانه‌های رقیب میان ترکیه و اسرائیل وجود دارد؟ اگر هست چرا؟ یک تمایز مهم میان این دو در چارچوب‌های سیاسی‌شان است. از ۲۰۱۳ حزب عدالت و توسعه مذهبی محور تصمیم‌گیری در ترکیه است. در نتیجه رسانه‌های سکولار به مردم در مورد خطرات تصمیمات سیاسی هشدار می‌دهند، در حالی که مطبوعات مذهبی از تظاهرات ضددولتی انتقاد می‌کنند. در مقابل صعود اخیر حزب ضدمذهبی یش‌آتید در اسرائیل باعث شده رسانه‌های مذهبی به مردم در مورد خشونت‌های دریافتی در سیاست عمومی هشدار دهند، در حالی که رسانه‌های سکولار این تظاهرات را به استهزا گرفته و سیاست‌ها را عادلانه و تصمیم‌گیری‌ها را دموکراتیک نشان می‌دهند. بنابراین نقش نگهبان در هر دو بیشتر به بازنمایی گروه سیاسی ضعیف‌تر توسط رسانه‌ها متمایل است.

در سنجش تاثیر چارچوب‌بندی متناوب نقش رسانه‌ها، این مقاله یکی از مشکلات جوامعی که

عمیقا دوگانه هستند مثل ترکیه و اسرائیل را روشن می‌کند. رسانه‌های هر طرف به‌عنوان یک اتاق اکو برای طرف خودشان عمل کرده و گزارش‌های خطاهای سیاست‌گذاران و نهادهای وابسته به طرف خودشان را کاهش داده، آن را در قالب تعصب رسانه‌های طرف مقابل نشان می‌دهند. این مسئله نقش نگرهبانی رسانه‌ها را کاهش داده و دموکراسی را سست می‌کند. علاوه بر این، در نقش دیگر رسانه‌ها (یعنی دستیابی به جمع‌گرایی به‌وسیله فراهم کردن صدایی برای بخش‌های مختلف جامعه) تقسیم رسانه‌ها و مخاطبان خبر به‌وسیله جامعه این مسئله را مورد تاکید قرار می‌دهد که دیدگاه‌های مطرح شده اساساً به‌وسیله کسانی که آنها را تقویت می‌کنند، دریافت می‌شود. کاستی‌های رسانه‌ها در هر دو منحصر به فرد نیست. قطبی کردن نظر مردم در مورد مسائل کلیدی در بافت‌های مختلفی روی می‌دهد و چارچوب‌بندی رسانه‌ای دوگانگی‌های سیاسی و اجتماعی را دامن می‌زند. در کشورهایی که گفتمان سیاسی براساس مسائلی کم‌اهمیت‌تر از مذهب پایه‌گذاری شده، رسانه‌ها تا این میزان دوگانه نیستند. گرچه نقش مذهب در جامعه و سیاست منبع روشنی از تنش‌ها در خاورمیانه است، حتی در ایالات‌متحده نزاع‌های سیاسی بر سر مسائل مذهبی مانند سقط جنین، آفرینش، ازدواج همجنس‌گرایان و جشن‌های مذهبی مردم صورت می‌گیرد. اینها نیز به‌وسیله رسانه‌های آمریکا متفاوت نشان داده و چارچوب‌بندی می‌شوند.

با این وجود، مطالعه رسانه‌ها در ترکیه و اسرائیل، جایی که نقش مذهب در زندگی مردم یک اصل مرکزی از نزاع سیاسی - اجتماعی است به پررنگ کردن تاثیر همسانی سیاسی کمک می‌کند. مشخصاً، مسائل دیگر نیز در ترکیه و اسرائیل بحث می‌شوند: مسائل اقتصادی، روابط و امنیت خارجی و غیره. هنوز، هیچ مسئله‌ای به اندازه نقش مذهب در زندگی عمومی به لحاظ احساسی تفرقه ایجاد نمی‌کند. در هر دو آنها رسانه‌ها به‌طور فزاینده‌ای به پیش‌تازان حزب‌هایی تبدیل شده‌اند که هویت‌شان از طریق آنها معلوم می‌شود. اصولاً فرض می‌شود رسانه‌ها یک زمینه برای ابراز دیدگاه‌های مختلف و فضایی که در آن تعامل عمومی رخ می‌دهد، فراهم کنند. به‌نظر می‌رسد فاصله‌گیری رسانه‌ها از این ایده آل در حال افزایش است. در حالی که نیومن و اسمیت اثر دوگانگی رسانه‌های مذهبی را بیان می‌کنند، رسانه‌های سکولار در ترکیه و اسرائیل نیز به دوگانگی کمک می‌نماید.

افزون بر این موارد، از آنجا که برون‌دادهای خاص رسانه‌ای تنها مورد اطمینان گروه خاصی

هستند، اعمال غیرقانونی رهبران سیاسی از طرف بخشی از مردم که رسانه را وسیله‌ای برای آزار گروه خود می‌بینند، نادیده گرفته می‌شود. بنابراین، تقسیم رسانه‌ها در طول شکاف‌های اجتماعی این رسانه‌ها را به کنشگران سیاسی دیگری تبدیل کرده و نقش آنها به‌عنوان نگهبان مورد نیاز مردم را کاهش می‌دهد.